لغت نامه فارسی - عربی

(شامل ۲۰۰۰ واژه عربی)



به کوشش عبدالله انوری

لغت نامه

فارسی به عربی

مخصوص حجاج و مسافران کشورهای عرب
و دانش پژوهان

شامل ۲۰۰۰ واژه روزمره

تألیف: عبدالله انوری
دبیر عربی دبیرستانهای تهران و مدرس دانشسرا

انتشارات اسلامیه
تلفن ۵۶۳۵۴۴۸
دورنگار ۵۶۲۱۹۶۶

چاپ اسلامیه - ۱۳۸۰ شمسی

انوري، عبدالله، ۱۳۱۸ - ۱۳۹۴.
لغت نامه فارسي به عربي مخصوص حجاج و مسافران كشورهاي عرب و دانشپژوهان شامل ۲۰۰۰ واژه روزمره/ تاليف عبدالله انوري.— تهران: اسلاميه، ۱۳۸۰.
۱۳۸ ص.
ISBN 964-481-120-8
فهرستنويسي براساس اطلاعات فيپا.
كتابنامه: ص. ۱۳۸.
۱. فارسي -- واژه‌نامه‌ها -- عربي. الف. عنوان.
۸الف۸ف/PJ۶۶۳۶ فا ۴۹۲/۷۳
كتابخانه ملي ايران ۸۰-۳۱۳۲م

● نام كتاب : لغت نامه فارسي به عربي
● مؤلف : عبدالله انوري
● ناشر : انتشارات اسلاميه
● چاپخانه : اسلاميه
● شمارگان : ۳۰۰۰ جلد
● تاريخ و نوبت چاپ : ۱۳۸۰ اول
● شابك : ۹۶۴-۴۸۱-۱۲۰-۸
ISBN : 964 - 481 - 120 - 8

بسم الله الرحمن الرحیم

● پیشگفتار

رَبِّ زِدْنی عِلْماً

سپاس خدای را که آفریننده هستی است و خالق هر مخلوق و رازق هر مرزوق و درود بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او که ائمه و راهبران خلق اند.

اما بعد زبان عربی برای ما ایرانیان زبان بیگانه‌ای نیست، زبان مذهب و آمیخته با ادبیات ماست، از این رو دانستن آن برای همهٔ ما لازم است و نیک فرا گرفتن آن نتیجه دو جهانی دارد.

لذا این حقیر که پانزده سال سابقهٔ تدریس این رشته از درس را در دبیرستانها و دانشسراها دارد، در سال گذشته برای آسان کردن کار دانش آموزان کتابی به نام تجزیه و ترکیب عربی تألیف کردم و اینک به یاری خداوند متعال برای هم‌میهنان عزیزی که قصد مسافرت به کشورهای عرب را دارند و نیز دوستداران

زبان عربی این لغت نامه را تقدیم می‌دارد تا هرکسی که خواندن و نوشتن بداند و از ترتیب حروف الفباء فارسی آ گاهباشد به سهولت بتواند لغات عربی مورد احتیاج خود را استخراج کند.

البتّه تکلّم به زبان عربی مثل هر زبان دیگر کار آسانی نیست و نیازمند ممارست بسیار است و مقصود مؤلّف هم از این تألیف همان آموختن لغات و اصطلاحات روزمره است و بس.

دیگر از خصوصیات این کتاب وجود جمع‌های مکسّر عربی است که دارای قاعدهٔ خاصی نیستند و در اینجا با علامت جیم بزرگ مشخص شده و راه تازه‌ای برای جویندگان علم و ادب مهیّا گردیده‌است.

وَالسَّلامُ عَلىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدىٰ

عبدالله انوری

آ

آب	اَلْماٰء ج. مِیاه و أمْواه
آباد	مَعْمُور – عـاٰمِرة
آبادانی	عُمراٰن
آب باز	غَوّاص
آب پاش	رَشّاٰش. مِرَشَّة
آبخوری	مِشْرَبَه ج. مَشاٰرِب
آبرو	حَيْثيَّة
آبشار	الشَّلّال ج. شَلّالاٰت
آبکش	مِصْفاٰة
آبگوشت	اَلْمَرَق. اَلْمَرَقَة
آبله	اَلْجُدَرِیّ
آبله کوبی	تَطْعِيمُ ضِدِّالْجُدَرِيّ

فارسی	عربی
آبی	مائيّ. أَزْرَق
آبیاری	اَلسَّقْي. سِقايَة
آتش	نار
آتشبار	بَطْرِيَّة. بَطارِيَّة
آتش زا	مُحْرِق
آتش نشان	رِجالُ الْاِطْفاء
آتش نشانی	اَلْاِطْفائِيَّة
آجودان	اَلْمُرافِق
آدینه. جمعه	اَلْجُمُعَة ج جُمَع و جُمُعات
آراسته	مُزَيَّن
آرد	اَلدَّقيق - طَحين
آرنج	اَلْمِرْفَق. ج مَرافِق
آری	نَعَمْ
آزمایش	اَلتَّجْرِبَة

فارسی	عربی
آسان	سَهْل
آسمان	اَلسَّمَاء
آسیا	اَلطَّاحُون. اَلطَّاحُونَة - ج طَوَاحِين
آش	اَلْحِسَاء
آشامیدن	اَلشُّرْب
آشپز	اَلطَّبَّاخ
آشپزخانه	اَلْمَطْبَخ
آشکار	ظَاهِر
آشنا	مَعْرُوف
آشنایان	مَعَارِيف
آشیانه	عُشّ ج عُشُوش. وُكْنَة
آفت	مَرَض ج. اَمْرَاض
آفتاب	اَلشَّمْس

فارسی	عربی
آفتابه	إِبْرِيق ج أَبارِيق
آقا	اَلسَّيِّد ج سادَة
آگاه	مُطَّلِع
آلو	اَلْاِءِجّاص
آمار	اَلْاِءِحْصاء
آمارگر	مُوَظَّفُ الْاِءِحْصاء
آمبولانس	سَيّارَةُ الْاِءِسْعاف
آموزش	اَلتَّعْلِيمْ
آموزشگاه	مَدْرَسَة. مَعْهَدٌعِلْمِيّ
آموزگار	اَلْمُعلِّم. اَلْمُدَرِّس
آنتن	هَوائِيّ
آنجا	هُناکَ
آهن	اَلْحَدِيد
آهنی	اَلْحَدِيدِيَّة

فارسی	عربی
آهو	اَلْغَزال ج غِزْلَة و غزْلان
آئینه	اَلْمِرآة

الف

ابر	سَحاب ج. سُحُب
«	غَیْم ج غُیُوم
ابرو	حاجِبُ الْعَیْن
ابریشم	اَلْقَزّ
اتو (اطو)	مِکْواة
اتوبوس	اَلْباص
اتومبیل	اَلسَّیّارَة
اجازه	اِذْن
اداره آب	دائِرَةُ الْماء
اداره آگاهی	مُدِیرِیَّةُ التَّحَرِّیات
اداره آموزش وپرورش	مُدِیرِیَّةُ التَّعلیم و التَّربِیَّة
اداره اموراقتصادی	اَلشُّعْبَةُ الاِقتِصادِیَّة
اداره امورسیاسی	اَلشُّعْبَةُ السِّیاسِیَّة

فارسی	عربی
اداره امور کنسولی	اَلشُّعْبَةُ القُنْصُلِيَّة
اداره انگشت نگاری	دائِرَةُ طَبْعِ الأَصابع
اداره بازنشستگی	دائِرَةُ التَّقاعُد
اداره باستان شناسی	مُدِيرِيَّةُ الآثارِ القَديمَة
اداره بایگانی	شُعْبَةُ حِفْظِ الأَوْراق
اداره ترجمه	شُعْبَةُ التَّرجَمَة
اداره برق وروشنایی	دائِرَةُ التَّنوير وَالقُوَّةِ الكَهرَبائِيَّة
اداره راهنمایی	مُدِيرِيَّةُ شُرطَةِ المُرُور
اداره روابط فرهنگی	شُعْبَةُ الرَّوابِطِ الثَّقافِيَّة
اداره‌عهود وامورحقوقی	شُعْبَةُ المُعاهَداتِ وَالأُمورِ الحُقُوقِيَّة
اداره کارگزینی	شُعْبَةُ الذّاتِيَّة
اداره کلّ حسابداری	مُدِيرِيَّةُ المحاسِباتِ العامَّة

فارسی	عربی
اداره کل درآمد	مُدِيرِيَّةُ الْوارِداتِ الْعامَّة
اداره کلّ زندان	مُدِيرِيَّةُ السُّجُونِ الْعامَّة
ادارهٔ کلّ شهربانی	مُدِيرِيَّةُ الشُّرْطَةِ الْعامَّة
ادارهٔ کلّ شهرداری	مُدِيرِيَّةُ الْبَلَدِيّاتِ الْعامَّة
ادارهٔ کلّ گمرکات	مُدِيرِيَّةُ الْكُمارِكِ الْعامَّة
ادارهٔ کلّ واردات	مُدِيرِيَّةُ الْأَمْوالِ الْمُسْتَوْرِدَةِ الْعامَّة
ادارهٔ مالیات بردرآمد	مُدِيرِيَّةُ ضَرِيبَةِ الدَّخل
ادارهٔ محرمانه	اَلشُّعْبَةُ السِّرِيَّة
ادارهٔ نگارش	لَجْنَةُ التَّأْليف
ادارهٔ ورزش و پیشاهنگی	مُدِيرِيَّةُ التَّرْبِيَةِ الْبَدَنِيَّةِ وَالْكَشّافَة
ارابه	عَرَبَة
ارابه جنگی	مُدَرَّعَة

فارسی	عربی
ارتش	اَلْجَیْش ج. جُیُوش
ارتشبُد	مَهیب
اُردک	اَلْبَطَّة ج. بُطُوط
ارز	الثَّمَن ج. أثمان و أثمُن
ارزان	رَخیص
ارزش	اِعْتِبار
ارزیاب	اَلْمُغَمِّن
ارزیابی	تَخمین - تَقْویم
ارکان	مَقَرّ
ارمود	اَلْعَرمُوط
ارّه	مِنْشار
اژدر	قَذیفَة - طُوربید
اژدها	اَلتِّنِّین ج. تنانین
«	ثُعْبان ج. ثعابین

فارسی	عربی
اسب	اَلحِصان ج. حُصُنْ
	فَرَس ج. أفْراس
اسباب بَزَک(اسباب توالت)	مِکْیاج
اُستاد	اَلاُسْتاذ
اُستان	اَللِّواء ج. أَلوِیَة
استاندار	اَلمُتَصَرِّف
استخر	مَسْبَح
استخوان	اَلعَظْم ج. عِظام
اَستَر	اَلبَغْل ج. بِغال
استوار	اَلمُفَوَّض
اسناد	اَلسَّنَدات
اطاق	اَلغُرْفَة ج. غُرَف
«	اَلحُجْرَة ج.حُجْرات
اطاق بازرگانی	غُرْفَةُ التِّجارَة

فارسی	عربی
اطاق پذیرایی	غُرْفَةُ الاِسْتِقْبال
اطاق خواب	غُرْفَةُ النَّوْم
اطاق نهارخوری	غُرْفَةُ الطَّعام
اعتبار	اِعْتِماد
اعلیٰحضرت	صاحِبُ الْجَلالَة
اعلامیه ازدواج	بَیانُ الزَّواج
اعلامیه طلاق	بَیانُ الطَّلاق
اعلامیه فوت	بَیانُ الوَفاة
اعلامیه ولادت	بَیانُ الْوِلادَة
افتاد	سَقَطَ
افسر	ضابِط - قائِد
افسران ارشد	اَلْقُوّاد
افسران جزء	اَلْاَعْوان
افسریار	نائِبُ ضابِط

فارسی	عربی
اگر	إذا
الاغ	اَلْحِمار ج. حُمُر
اَلَک	اَلْمُنْخُلْ ج. مَناخِل
امروز	هٰذَاالیَوْم
امسال	هٰذِهِ السَّنَة
امشب	هٰذِهِ اللَّیْلَة
انار	اَلرُّمّان
انبار	اَلْمَخْزَن
انبوه	کَثیف
انجمن	اَلْجَمْعِیَّة
انجیر	اَلتّین
اندوخته	اَلْمُدَخَّر
انگشت	اَلْاِصْبَع ج. اَصابِـع
انگشتر	اَلْخاتَمْ ج. خَواتِمْ

فارسی	عربی
انگور	اَلْعِنَبُ ج. اَعْناب
او	هُوَ - هِيَ
ایستگاه	اَلْمَحَطَّة
ایستگاه هواشناسی	مَحَطَّةُ الْاَنْواءِ الْجَوِّيَّة
ایشان	هُمْ - هُنَّ
این	هٰذا - هٰذِهِ
اینجا	هُنا
ایوان	اَلْاِیوان ج. اَواوین

ب

با آب و رنگ	مُلَوَّن - جَميل
با آبرو	خَجُول
باجناق	عَديل
باجه	اَلشُّباک
با خدا	مُؤْمِن
باد	اَلرّيح - هَواء
بادهای طوفانی	اَلعَواصِف
بادام	لَوْز
بادامی	لَوْزِیّ
بادبزن	اَلمِرْوَحَة
بادگیر	هوائِيَّة
بادنجان	اَلباذِنْجان
بار	حِمْل ج. أَحْمال

فارسی	عربی
باران	اَلْمَطَر ج. أَمْطٰار
باز	اَلصَّقْر ج. صُقُور و صِقٰار
بازار	اَلسّوُق ج. اَسْواٰق
بازبین	مُدَقِّقُ الْحِساٰبٰات
بازبینی	تَدْقیقُ الْحِساٰبٰات
بازپرس	اَلْمُسْتَنْطِق - اَلْمُحَقِّقُ الْعَدْلِیّ
بازپرسی	اَلاِسْتِنْطٰاق - اَلتَّحقیقُ الْعَدْلِیّ
بازجو	اَلْمُحَقِّق
بازجویی	اَلتَّحْقیق
بازدید	مُمَیِّزُ الْحِساٰبٰات
بازرس	اَلْمُفَتِّش
بازرس اداره دارایی	مُفَتِّشُ الماٰلِیَّة
بازرسی	التَّفْتیش
بازرگان	اَلتّاٰجِر ج. تُجّاٰر

فارسی	عربی
بازو	اَلْعَضُد ج. أَعْضاد
بازنشسته	اَلْمُتَقاعِد-اَلْمُحالُ عَلَى الْمَعاش
باشگاه	اَلنّادي ج. أَنْدِيَه
باغ	اَلْحَدِيقَة ج. حَدائِق
«	اَلْبستان ج. بَساتِين
باغبان	اَلْبُستانِيّ
باغچه	اَلْجُنَيْنَة. اَلْحَدِيقَة
باقلا	اَلْفُول
بال	جَناح ج. أَجْنُح
بالارفتن	صُعُود
بالش	مِخَدَّة ج. مَخادّ
«	وِسادَة ج. وِسادات
بامیه	اَلْبامِيا
بانک	اَلْمَصْرَف

فارسی	عربی
باهوش	ذَكِي
ببر	نَمِر و نَمِر ج. أَنمار
«	اَلبَبر ج. بُبُور
بت	صَنَم
بچه	صَغِير - طِفْل
بخاری	مِدْفَأ
بچه شیر	شِبْل
بخت	اَلحَظّ ج. حُظُوظ
بخشدار	مُدِيرُ النّاحِيَة
بخشنده	مُعْطي
بخشیدن	اَلعَفْو
بد	رَدیء
بد اخم	عابِس
بدبخت	مَنْحُوس

فارسی	عربی
بدبو	مُتَعَفِّن
بدخو	غَضُوب
بددهن	شاتِم
بدهکار	مَدْيُون – مَقْرُوض – مَدِين
بدهی	دَيْن ج. دُيُون
برات	اَلحَوالَة
برادر	أَخ ج. إِخْوَة – إِخْوان
بُرد	ذَهَبَ بِهِ
بَرده	رَقِيق ج. أَرِقّاء
برف	اَلثَّلج ج. ثُلُوج
برق	اَلبَرق
برقی	اَلكَهْرَبائِيَّة
برگ	اَلوَرَق ج. أَوْراق
برگ چغندر	اَلسِّلْق

فارسی	عربی
برنج	أُرُز
برنامه	بَرْنامج
برّه	اَلطَّلِيّ – اَلْحَمَل ج. حُمْلان
برو (امرِ رفتن)	اِذْهَبْ
بُز	اَلْماعِز – مَعْز ج. أَمْعُز
بزغاله	اَلْجَدْی ج. جِداء
بُزکوهی	اَلْوَعْل ج. أَوْعال
بُز ماده	اَلْعَنْز ج. عِناز و عُنُوز
بُز نر	اَلتَّيْس ج. تُيُوس
بِزِه	اَلْجُنْحَة
بزهکار	اَلْمُسيء
بستانکار	دائِن
بسته	اَلرِّزْمَة ج. رِزَم
بشقاب	اَلْماعُون

فارسی	عربی
بطری	قارُورَة
بعدازظهر	مَساء
بَغَل	اَلْاِبِط ج. إباط
بلبل	اَلْبُلْبُل - اَلْعَنْدَلِيب ج. عَنادِل
بلند	طَوِيل
بليت	تَذْكِرَة - بِطاقَة
بُمب	قُنْبُلَة ج. قَنابِل
بنده	عَبْد ج. عِباد
بنفش	اَلْبَنَفْسَجِيّ
بنگاه	مَعْهَد ج. مَعاهِد
بنگاه تعاونی	اَلْجَمْعِيَّةُ التَّعاوُنِيَّة
بنگاه مستقل آبیاری	مُدِيرِيَّةُ الرَّيّ
بوئیدن	اَلشَّمّ
بوته	اَلنَّبْتَة

فارسی	عربی
بودجه	اَلْمِیزانِیَّة
بوستان	اَلْبُسْتان ج. بَساتِین
بوقلمون	اَلدّیکُ الرُّومِیّ
بومی	مُسْتَوْطِن
بِه	اَلسَّفَرْجَل
بها	اَلقِیمَة - ثَمَن ج. أَثْمان
بهار	اَلرَّبیع
بهداری	اَلصِّحِیَّة
بهداشت	اَلصِّحَّة
بهره‌برداری	اَلاِسْتِثْمار
بی آبرو	عَدِیمُ الْحَیْثِیَّة
بیابان	اَلصَّحْراء
بیابانها	اَلصَّحاري
بی پول	مُعْسِر - مُفْلِس

فارسی	عربی
بید	اَلْعُثَّة ج. عُثَث
بیست	عِشروُن
بیست و دو	اِثنانِ وَ عِشروُن
بیست و یک	واحِدٌ وَ عِشروُن
بیست هزار	عِشروُن أَلْف
بی سواد	اُمّي
بی شرم	عَديمُ الْحِياء
بیگانه	غَريب ج. غُرَباء - أَجْنَبي
بیل	مِغْرَفَة ج. مَغاريف - رَفش
بیمار	اَلْمَريض
بیماری	اَلْمَرَض ج. أَمْراض
بیماریهای واگیر	اَلْاَمْراضُ السّارِيَة
بیمه	اَلتَّأمين
بینا	بَصير

فارسی	عربی
بینی	اَلْاَنْف ج. آناف و أُنوُف
بی نیاز	غَنِیّ ج. أَغْنِیاٰء
بیوه	أَرْمَلَة ج. أَراٰمِل
بی هوش (کودن)	بَلِید

پ

پا	رِجْل ج. أَرْجُل
پائیز	اَلْخَرِیف
پائین	تَحْت
پادگان	حامِیَة
پارچه	قُماش
پاسبان	اَلشُّرْطِیّ
پاسبان	حِراسَة
پاسدار	حارِس ج. حُرّاس-أَحْراس
پاسگاه	اَلْمَخْفَر ج. مَخافِر
پاشنه	اَلْكَعْب ج. كِعاب و كُعُوب
پاک	زَكِیّ
پاکدامن	عَفِیف
پالایشگاه	مِصْفاة - مَصْنَعُ التَّكْرِير

فارسی	عربی
پالتو	اَلمَعْطِف ج. مَعاطِف
پالوده	فالُوذَج
پانزده	خَمْسَةَ عَشَرَ
پانصد	خَمْسُمِائَة
پایتخت	اَلعاصِمَة
پایگاه	مَقَرّ - مُسْتَقَرّ
پاینده	مُراقِب
پتو	اَلبَطّانِيَّة
پخته	مَطْبُوخ
پدر	أَب ج. آباء
پدربزرگ	جدّ ج. أَجْداد
پدرزن	اَلحَم
پر	رِيش ج. أَرْياش
پُر	مَلْأَیٰ

فارسی	عربی
پرتقال	اَلْبُرْتُقال
پرچم	اَلْعَلَم - اَللِّواء ج. أَلوِيَة
پرده	سِتْر ج. أستار-
«	سِتار ج. سُتُر
پرستار	مُمَرِّضَة
پرستو	اَلْاَبابِيل
پرنده	اَلطّائِر ج. طُيُور
پرواز	طَيَران
پروانه	اَلْفَراشَة ج. فَراش
پرورشگاه يتيمان	اَلْمَيْتَم ج. مَياتِم
پروين	اَلثُّرَيّا
پريروز	يَوْمَ اَوَّلِ أَمْس
پريشب	لَيْلَةَ اَوَّلِ أَمْس
پزشک	اَلطَّبِيب ج. أَطِبّاء

فارسی	عربی
پس	بَعْد - عَقِب ج. أعْقاب
پُست	بَرِيد
پستان	اَلثَّدْیُ ج. ثُدِیّ
پُستخانه	دائِرَةُ الْبَرِيد
پُستی	ساعِي الْبَرِيد
پسته	اَلْفُسْتُق
پسر	إبْن ج.أَبْناء - وَلَد ج.أَولاد
پسر برادر	إبْنُ الأَخ
پسر خاله	إبْنُ الْخالَة
پسر خواهر	إبْنُ الْأُخت
پسر دایی	إبْنُ الْخال
پسر عمو	إبْنُ الْعَمّ
پس فردا	بَعْدَ غَدٍ
پُشت	اَلظَّهْر ج. أظْهر
«	خَلْف ج. خُلوُف
پشتوانه	اَلرَّصيدُ الْاِحْتِياطي

عربی	فارسی
سَنَد ج. أَسْناد	پشتیبان
صوُف	پشم
اَلْبَعوُض	پشه
نامُوسِيَّة	پشه بند
قَنْطَرَة - جِسْر ج. جُسوُر	پُل
اَلْجَفْن ج. أَجْفان	پلک
اَلنَّمِر ج. نُمُور	پلنگ
اَلتِّمِّن	پلو چُلو
دَرَجَة	پله
اَلدَّرَج ج. أَدْراج	پله کان
اَلشُّرْطِيّ	پلیس
اَلْقُطْن	پنبه
خَمْسَة	پنج
خَمْسوُن	پنجاه

فارسی	عربی
پنجاه و پنج	خَمْسَةُ وَ خَمْسُوْن
پنجاه و چهار	أَرْبَعَةُ وَ خَمْسُوْن
پنجره	اَلشُّبّاک - اَلنّافِذَة
پنجشنبه	اَلْخَمیس
پنجم	اَلْخامِس
پنجه	اَلْکَفّ ج. أَکُفّ
پنج‌هزار	خَمْسَةُ آلاف
پنیر	اَلْجُبْن
پوست	اَلْجِلْد ج. أَجْلاد
پوستین	اَلْفَرْد ج. فِراء - اَلْفَرْوَة
پوستین دوز	اَلْفَرّاء
پوشاک	اَلْمَلْبَس ج. مَلابِس
پولاد - فولاد	فوُلاذ
پولدار	ثَرِیّ

فارسی	عربی
پونه	اَلْبِطِنْج
پهلو	جَنب ج. أَجْناب
پهلوان	بَطَل ج. أَبْطال
پی	اَلْعَصَب ج. أَعْصاب
پیاده	اَلْمُشاة - راجِل
پیاده رو	اَلرَّصیف - اَلطّوار
پیاز	اَلْبَصَل
پیانو	مِعْزَف ج. مَعازِف
پیر	شَیْخ ج. شُیوخ - أَشْیاخ
»	عَجوز ج. عَجائِز
پیراهن	ثَوب - قَمیص
پیراهن زنانه	فُستان
پیرزن	عَجوزَة
پیرمرد	عَجوز

فارسی	عربی
پیش	قَبل - أمام
پیشخدمت	اَلقَوّاس - اَلخادِم ج. خُدّام
پیشوا	اَلإمام ج. أئِمَّة
پیشه	اَلصِّناعَة - اَلحِرْفَة
پیشه ور	اَلصّانع - اَلمُعْتَرِف
پیغمبر - پیمبر	اَلنَّبي ج. أنبياء
پیگیر	مُعَقِّب - مُصِرّ
پیمانه	مِكْيال
پیمودن	طَيُّ الطَّريق
پینه دوز	إسْكافي
پیوسته	مُتَّصِل
پیه	شَحْم

ت

تابستان	اَلصَّيْف
تابستانی	اَلصَّيْفِيَّة
تابلو	لَوْحَة
تار	خَيْط ج. خُيُوط
تاراج	إغارَة - لَهْب
تاریک	مُظْلِم
تازیانه	اَلسَّوْط ج. أَسْواط
تازه	حَدِيث
تاکسی	سَيّارَةُ الأُجْرَة. تاكسي
تالار	اَلْبَهْو
تانک	دَبّابَة ج. دَبّابات
تب	حُمّىٰ ج. حُمَّيات
تبر	فَأْس ج. فُؤُوس

فارسی	عربی
تبه کار	اَلْجانی
تپه	اَلتَّلّ ج. تِلال و تُلوُل
تحصیلی	اَلدِّراسِیّ
تخت	اَلسَّرِیر ج. أَسِرَّة و سُرُر
تخت خواب	سَرِیرُ النَّوْم
تخته پاک کن	مِمْسَحَه
تخته سیاه	لَوْحَة - سَبُّورَة
تخم مرغ	اَلْبَیْض
تدارکات	إِعاشَة
ترازو	مِیزان
تراشیدن	حَلْقُ الشَّعْر
تراشیده	مَحْلوُق
ترب	اَلْفُجْل
تربچه	اَلْفُجْلُ الصَّغِیر

فارسی	عربی
ترخینه	اَلنَّعْناع
ترسو	جَبان
ترکه	اَلْعُود - اَلْغُصْن ج. أَغْصان
تره	اَلْكُرّاث
ترش	حامِض
ترشی	اَلْحَوامِض
تره بار	بَقْل ج. بُقُول
تشک	طَرّاحَة - اَلْفِراش ج. أَفْرِشَة
تشنه	عَطْشان
تعطیلی	اَلْعُطْلَة
تغییر آب و هوا	اِسْتِجْمام
تفنگ	بُنْدُقِيَّة
تکمه	زِرّ ج. أَزْرار
تگرگ	اَلْبَرْد

فارسی	عربی
تلفن	مِسَرَّة – هاتِف
تلگراف	اَلْبَرْقِيَّة
تلویزیون	تِلْفِيزيُون
تله	فَخٌّ ج. فِخاخ
تماشاخانه	اَلْمَسْرَح ج. مَسارِح
تمبر	اَلطَّابِع ج. طَوابِع
تنباکو .	اَلتَّنْبَک
تندرست	سالِم – صَحيح
تنقیه	اَلْحُقْنَة
تنگه	اَلْمَضيق ج. مَضايِق
تنه	اَلْجِذْع ج. جُذُوع
تو	أَنْتَ – أَنْتِ
تور	شَبَكَة
توانا	قادِر

فارسی	عربی
توپ	مِدْفَع
توت	اَلتُّوت
توفان	عاصِف ج. عَواصِف
تونل	اَلنَّفَق ج. اَنْفاق
تیپ	لِواء - اَلْوِيَة
تیفوس	اَلْحُمّىٰ - اَلنَّمْشِيَة
تیشه	فَأْس ج. فُؤُوس
تیغ	مُوسىٰ ج. مَواس
تیمسار	اَلْاَمير

ث

ثبت احوال	تَسْجيلُ الْاَحوالِ الشَّخْصِيَّة

ت

جا	اَلْمَحَلّ - مَکاٰن
جارختی	مِشْجُب
جارو	مِکْنَسَة
جاروکش	مُکَنِّس
جامه	اَلثَّوْب - اَللِّبَاْس
جامه خواب	مَناٰمَة
جامه دان	اَلْحَقِیبَة
جان	اَلرُّوح ج. أَرْواٰح
جانشین - خلیفه	اَلْخَلِیفَة
جاهل	بِلاٰ مَعْرِفَة
جداکن	اِنْتَقِ
جذام	اَلْجُذاٰم
جرقّه	اَلشَّرَرَة

فارسی	عربی
جزیره	اَلْجَزِیرَة ج. جَزائِر
جشن	حَفْل
جعفری	اَلْمَعْدِنُوس
جُعَل	اَلْخُنْفُساء ج. خَنافِس
جُغد	اَلْبوم ج. أَبْوام
جِگر	كَبَد ج. أَكْباد
جنگ	اَلْحَرْب ج. حُرُوب
جنگل	اَلْغابَة
جلو	أَمام
جلیقه	اَلصُّدْرَة
جوان	شاب ج. شَباب – فَتاة
جوجه	اَلْفَرْخ ج. أَفْراخ
جوخه	حَضِيرَة ج. حَضائِر – فَوْج
جوراب	اَلْجَورَب ج. جَوارِب

فارسی	عربی
جوینده	مُفَتِّش
جهان	اَلْعالَم
جیرجیرک	اَلصُّرْصُر ج. صَراصِر
جیوه	اَلزِّئبَق

چ

چاپخانه	اَلْمَطْبَعَة
چاخان	مُتَلاعِب
چادر	خَيْمَة ج. خِيام
چادر زنان	جِلْبابْ ج. جَلابِيب
چاقو	اَلسِّكِّين ج. سَكاكِين
چاک	شَقّ ج. شُقُوق
چانه	اَلْحَنَك ج. أَحْناك
چای	اَلشّاي
چپ	يَسار ج. يُسُر
چتر	مِظَلَّة
چترباران	جُنُودُ المِظَلّات
چراغ	سِراج ج. سُرُج
	مِصْباح ج. مَصابِيح

فارسی	عربی
چراگاه	اَلْمَرْعیٰ ج. مَراعٍ
«	اَلْمَرْتَع ج. مَراتِع
چَرب	دَهِین
چُرت	سِنَة
چرخ خیاطی	مَکِینَةُ خِیاطَة
چشم	عَین ج. أَعْیان و عُیُون
چشم پزشک	طَبِیبُ الْعُیُون
چشمه	عَینُ الْماء
چشیدن	اَلذَّوْق
چغندر	شَمَنْدَر - اَلْبَنْجَر
چکش	مِطْرَقَة - مِدَقَّة
چگونگی	کَیفِیَّة
چگونه	کَیفَ؟
چلچله	اَلْخطّاف

فارسی	عربی
چُلُو صافی	اَلْمِصْفاة
چمدان	حَقِيبَة ج. حَقائِب
چمن	اَلثَّيل
چنگال	اَلشَّوْكَة
چهار	أَرْبَعَة
چهارپا	اَلْحَيوان
چهارپایان	اَلْحَيوانات
چهارده	أَرْبَعَةَ عَشَرَ
چهارشنبه	اَلْاَرْبعاء
چهارصد	أَرْبَعمِائَة
چهارم	اَلرّابِع
چهارهزار	أَرْبَعَةُ آلافٍ
چهل	أَرْبَعُون
چهل چراغ	اَلْمَسْرَجَة - اَلثُّرَيّا

فارسی	عربی
چهل و چهار	أَرْبَعَةٌ و أَرْبَعُون
چهل هزار	أَرْبَعُونَ أَلْف
چهل و سه	ثَلاثَةٌ وَ أَرْبَعُون
چیدن	إِجْتِناء

ح

حسابدار	مُحاسِب
حسابداری	مُحاسَبَة
حشره شناسی	مَعْرِفَةُ الْحَشَرات
حضرت والا	صاحِبُ السُّمُوّ
حق العمل	الْقُومِسْيُون
حلبی	التَّنَک
حلیم	هَرِيسَة
حمام گرفتن	إسْتِخْمام
حوض	بِرْكَة
حیاط	فِناء
حیله کار	مُخْتال

خ

خار	شَوْک
خارپشت	اَلْقُنْفُذ ج. قَنافِذ
خارش	حَکّ - تَخْرِیش
خاک	اَلتُّراب ج. أَتْرِبَة
خاکستر	اَلرَّماد ج. أَرْمِدَة
خاکستری	اَلرَّمادِيّ
خام	غَیْرُ مَطْبُوخ
خاله	خالَة
خانواده	اَلْأُسْرَة - اَلْعائِلَة
خانه	اَلدّار ج. دِیار
خدا - ایزد	اَللّٰه
خداوند - یزدان	اَلْاِلٰه ج. آلِهَة
خَر	حِمار ج. حُمُر

فارسی	عربی
خربزه	اَلْبِطِّیخ
خرچنگ	اَلسَّرَطان
خرد	عَقْل
خردمند	عاقِل
خرس	اَلدُّبّ ج. أَدْباب
خرگوش	اَلْاَرْنَب
خرما	اَلتَّمْر
خرمای تازه	اَلرُّطَب
خروس	اَلدِّیک ج. دُیُوک
خریدار	اَلْمُشْتَرِي
خزانه داری کُل	اَلْخَزِینَةُ الْعامَّة
خستگی	تَعَب
خشک	جافّ - یابِس
خشکی	اَلْیابِسَة

فارسی	عربی
خط کش	مِسطَرَة
خلبان	اَلطَّیّٰار
خُمپاره	اَلْهاوَن - اَلْقَذیفَة
خمیازه کشیدن	تَثاؤُب
خمیر	اَلْعَجین
خواب	نَوم
خواری	هَوان
خواهر	أُخْت
خودی	اَلْاَهْل
خوراک	اَلطَّعام
خواهم کرد	سَوْفَ أَصْنَعُ
خوردن	اَلْاَکْل
خورشت	اَلْمَرَق
خورشید	عَیْنُ الشَّمس

فارسی	عربی
خورنده	اَلآكِل
خوک	اَلْخِنْزِير ج. خَنازِير
خون	اَلدَّمّ
خویش	قَرِيب ج. أَقْرِباء
خیابان	اَلشّارِع ج. شَوارِع
خیار	اَلْخِيار - قِثّاء
خیرخواه	خَيِّر
خیس	رَطْب
خیس کردن	تَرْطِيب

د

دائی	خال
دائی زاده	اِبْنُ الْخال - بِنْتُ الْخال
دادخواست	عَرِيضَة - شَكْوىٰ - شِكايَة
داد خوانده	اَلْمُدَّعىٰ عَلَيْه
دادخواه	اَلْمُدَّعِي
دادخواهی	اَلدَّعْوىٰ
دادرس -	اَلْحاكِم - اَلْقاضِي
دادرسی	اَلْمُحاكَمَة
دادگاه آشتي	مَحْكَمَةُ الصُّلْح
دادگاه تميز	مَحْكَمَةُ التَّمييز
دادگاه نخستين	مَحْكَمَةُ البَدائَة
دادگاه وارسی	مَحْكَمَةُ الْإِسْتِئْناف
دادگستری	اَلْعَدْلِيَّة

فارسی	عربی
دادنامه	اَلْحُکْم - قَرارُ الْمَحْکَمَة
دادیار-وکیل دادگستری	اَلْمُحامي
دارا	غَنِيّ ج. أَغْنِیاء
دارو	اَلدَّواء ج. أَدْوِیَة
داروخانه	صَیْدَلِیَّة
داروساز	اَلصَّیْدَلِيّ
داروسازی	اَلصَّیْدَلِیَّة
دالان	اَلدِّهْلِیز
دام	حَیَوانٌ أَهْلِيّ
دام (تله)	فَخّ ج. فِخاخ
داماد	اَلصِّهْر ج. أَصْهار
دام پروری	تَرْبِیَةُ الْحَیَوانات
دامپزشک	اَلْبَیْطار
دانا	عالِم

فارسی	عربی
دانش	اَلْعِلم
دانش آموز	اَلطّالِبُ فِي الْمَدارِسِ الْاِبتِدائِيَّه
دانشجو	اَلطّالِبُ فِي الْمَدارِسِ الْعالِيَه
دانشسرا	دارُ الْمُعَلِّمِين
دانشسرايعالی	دارُ الْمُعَلِّمِينَ الْعالِيَة
دانشسرای مقدماتی	دارُ الْمُعَلِّمِينَ الْاِبتِدائِيَّه
دانشکده	اَلْكُلِّيَة
دانشگاه	اَلْجامِعَة
دانشيار	اَلْاُسْتاذُ الْمُساعِدْ
دانه	اَلْحَبَّة ج. حُبُوب و حَبّ
داوری	اَلتَّحْكِيم
دايه	مُرْضِع
دبستان	اَلْمَدْرَسَةُ الْاِبْتِدائِيَّة

فارسی	عربی
دبیر	مُدَرِّسُ الْمَدارِسِ الثّانَوِيَّةِ وَ الْمُتَوَسِّطة
دبیرستان	اَلْمَدْرَسَةُ الثّانِيَّةُ
دختر	بِنْت ج. بَنات
دختر برادر	بِنْتُ الاَخ
دختر خاله	بِنْتُ الْخالَة
دختر خواهر	بِنْتُ الاُخْت
دختر دائی	بِنْتُ الْخال
دختر عمو	بِنْتُ الْعَمّ
در	باب ج. أَبْواب
درآمد	اَلدَّخْل - اَلْعوائِد
دراز	طَوِيل - مَشْدُود
دربدر	شَرِيد
دربند	اَلْمَضيق (بَيْنَ جَبَلَيْن)

فارسی	عربی
درجه داران	ضُبّاطُ الصَّفّ
درخت	اَلشَّجَر ج. اَلْاَشجار
درختکاری	غَرْسُ الْاَشجار
درخشان	زاهِر
درد	اَلْاَلَم - اَلْوَجَع
در زدن	دَقُّ الْباب
درشکه	اَلْعَرَبَة ج. عَرَبات
درفش	اَلرّاْيَة
درمان	اَلْعِلاج
درمانگاه	مُسْتَوْصِف
درنده	اَلْمُفْتَرِس
درو	اَلْحِصاد - اَلْحَصْد
دروازه	اَلدَّرْب ج. دُرُوب ودِراب
درّه	اَلْوادِي ج. أَوْدِيَة

فارسی	عربی
دریا	اَلْبَحر ج. بِحار و بُحُور
دریابان	رَئِيسُ أَرْكانِ الْبَحْر
دریاچه	اَلْبُحَيْرَة
دریادار	أَمِيرُ الْبَحْر
دریا سالار	أَميرال – مُشِيرُ بَحْرِيّ
درگذشتن	اَلصَّفْح
دِژ	سُور ج. أَسْوار
دست	يَدْ ج. أَيْدي
دستار	اَلْعِمامَة ج. عِمام
دست بند	اَلسُّوار ج. أَساوِر
دست چپ	اَلْيَدُ الْيُسْرىٰ
دست راست	اَلْيَدُ الْيُمْنىٰ
دستشویی	اَلْمَغْسِل
دستکش	اَلْقَفّاز ج. قَفافِيز

فارسی	عربی
دستمال	اَلْمِنْدِيل ج. مَنادِل
دست نماز – وضو	اَلْوُضوُ
دسته (گروه)	فِئَة
دسته	قَبْضَة
دشت	اَلسَّهْل
دشمن	عَدُوّ ج. أَعْداء
دفتر ثبت ازدواج	سِجِلٌّ تَسْجِيلِ الزَّواج
دفتر ثبت طلاق	سِجِلٌّ تَسْجِيلِ الطَّلاق
دفتر ثبت فوت	سِجِلٌّ تَسْجِيلِ الوَفَيات
دفتر ثبت ولادت	سِجِلٌّ تَسْجِيلِ الْمَوالِيد
دفترچه	كُرّاسَة ج. كَرارِيس
دفتردار	أَمِينُ الْمَحْفُوظات
دفتر مدرسه	مَكْتَب
دفتر وزارتی	قَلَمُ الْوِزارَة

فارسی	عربی
دکان	اَلحانوُت ج. حَوانِيت
دکتر	اَلدُّكتوُر
دِل	اَلقَلب ج. قُلوُب
دلیر	شُجاع ج. شُجْعان
دُم	ذَيل ج. أذْيال
دماغه	اَلرَّأْس ج. رُؤُس
دمپایی	نَعْل
دنبه	أَلْيَة
دندان	اَلسِّنّ ج. أَسْنان
دنده پهلو	اَلضِّلْع ج. أَضْلاع
دو	اِثْنَيْن - اِثْنان
دوات	مِحْبَرَة
دوازده	اِثْنا عَشَرَ
دوچرخه	اَلدَّرّاجَة

فارسی	عربی
دوخته	جاهِزَة
دودکش	اَلْمَدْخَنَة
دور	بَعِید
دوربین	اَلْمِنْظار
دوربین عکّاسی	آلَةُ التَّصْوِیر
دورنما	اَلْمَنْظَر
دوست	صَدِیق ج. أَصْدِقاء
دوش	اَلْمَنْکِب ج. مَناکِب
دوش حمام	مِشَنّ
دوشنبه	اَلْاِثْنَین
دوشیزه	آنِسَة – فَتاة
دوغ	اَللَّبَنُ الْخاثِر – رائِبُ اللَّبَن
دولت	اَلدَّوْلَة – اَلْحُکُومَة
دولت جمهوری	اَلْحُکُومَةُ الْجُمْهُورِیَّة

فارسی	عربی
دولت مستبد	اَلْحُكُومَةُ الْمُسْتَبِدَّة
دولت مشروطه	اَلْحُكُومَةُ الدُّسْتُورِيَّة
دوّم	اَلثّاني
دو هزار	اَلْفانِ
دویست	مِائَتانِ
دَه	عَشَرَة
دِه (روستا)	قَرْيَة ج. قُرىٰ
دَهان	اَلْفَم ج. أَفْواه
دهُم	الْعاشِر
ده هزار	عَشَرةُ آلافٍ
دیپلمات	اَلسِّياسِي
دیدن	اَلنَّظَر - اَلرُّؤْيَة
دیروز	أَمْسِ
دیس	صَحْن

فارسی	عربی
دیشب	لَیْلَةَ أَمْسِ
دیک	اَلْقِدْر ج. قُدُور
دین – آئین – مذهب	اَلدِّین ج. أَدْیان
دیوار	حائِط ج. حِیطان
«	جِدار ج. جُدُر
دیوانه	مَجْنُون ج. مَجانِین

ر

رادیو	مِذْیاع - رادیَو - مَوّاج
راست	یَمین
راسو	اِبْنُ عِرْس
ران	اَلْفَخِذ ج. أَفْخاذ
راننده	سائِق ج. سائِقون
راه	اَلطَّرِیق ج. طُرُق
راه آهن	سِکَّةُ الْحَدید
راه شوسه	اَلطَّرِیقُ الْمُعَبَّد
راهبر	دَلیل ج. أَدِلَّة
رایزن	اَلْمُسْتَشار
رئیس اداره بازرسی	مُدیرُ التَّفْتیشِ الْعام
رئیس ستاد ارتش	رَئیسُ أَرْکانِ الْجَیْش
رُتیل	اَلرُّتَیْلاء ج. رُتَیْلاوات

فارسی	عربی
رُخ	اَلْوَجْه – خَدّ ج. خُدوُد
رخت	اَللِّباس ج. اَلْبِسَة
رختِ خواب	اَلْفِراش ج. اَفْرِشَة
رزم	حَرْب ج. حُروُب
رژه	صَفّ ج. صُفوُف
رستوران	مَطْعَم ج. مَطاعِم
رسته	صِنْف ج. أَصْناف
«	رَعيل ج. رِعال
رسته توپخانه	رَعيلُ مِدْفَعِيَّة
رسته زرهی	رَعيلُ مُدَرَّع
رسته مخابراتی	رَعيلُ مُخابَرَة
رسیده	اَلْوارِد – اَلْواصِل
رسیده	ناضِج
رفت	ذَهَبَ

فارسی	عربی
رفتار	اَلسُّلوُک
رفتم	ذَهَبْتُ
رفتن	اَلذَّهاب
رفته‌ام	قَدْ ذَهَبْتُ
رگ	اَلْعِرْق ج. عُروُق
رنج	مَشَقَّة
رنگ	لَوْن ج. اَلوان
رنگارنگ	مُلَوَّن
رنگرز	صَبّاغ
رنگ زدن	تَلْوِین
روا	جائِز
روان	اَلنَّفْس ج. نُفوُس
روباه	اَلثَّعْلَب ج. ثَعالِب
روبرو	تَجاه

فارسی	عربی
روپوش	غِطاء ج. أَغْطِيَة
رود	اَلنَّهْر ج. أَنْهار
روده	اَلْمُصْرانُ - أَمْعاء
روز	يَوْم ج. اَيّام
روز	اَلنَّهار ج. أَنْهُر
روزنامه	جَرِيدَة ج. جَرائِد-صَحِيفَة
روزه	اَلصَّوْم ج. أَصْوام
روزهای هفته	اَيّامُ الْأُسْبُوع
روزی	رِزق ج. أَرْزاق
روسری	مَقْنَعَة
روشویی	اَلْمَغْسِل
روغن	اَلدُّهْن
رَوَم	أَذْهَبُ
رَوی	تَذْهَبُ

عربی	فارسی
یَذْهَبُ	رَوَد
نَذْهَبُ	رَویم
تَذْهَبُونَ	رَوید
یَذْهَبُونَ	رَوَند
غِطاءُ الطّاوِلَة	رومیزی
إستِنْساخ	رونویسی
اَلْوَجْه ج. وُجُوه	روی
أَطْلِق	رها کن
طَلاق	رهایی
مُراء	ریاکار
حَبْل ج. حِبال	ریسمان
اَللِّحْيَة	ریش
اَلْجِذْر ج. جُذُور	ریشه
اَلْحَصیٰ - اَلرَّمْل ج. رِمال	ریگ

ز

زاده	وَلِید ج. وَلائِد - مَوْلوُد
زاری	عَجْز
زاغ	غُراب ج. أَغْرُب - غِرْبان
زالو	دوُدَة ج.دَوْد
زانو	اَلرُّكْبَة
زایش	وِلادَة
زبان	اَللِّسان ج. أَلسِنَة و أَلسُن
زبَر	فَوْق
زِبْر	خَشِن
زخم	اَلْجَرْح - جِراحَة
زدن	اَلضَّرْب
زر (طلا)	اَلذَّهَب
زرد	اَلْاَصْفَر

عربی	فارسی
اَلْمِشْمِش	زردآلو
صائِغ	زرگر
شاطِر	زِرنگ
دِرْع	زره
مُدَرَّع	زره‌پوش
دارِعَة	زره دار
قَبیح - بَشِع	زشت
کَریه	زشت رو
اَلْوَرْد ج. أَوْراد	زعفران
فَحْم	زغال
ذُؤابَة ج. ذَوائِب	زلف
اَلشِّتاء	زمستان
مَشْتیٰ	زمستانگاه (قشلاق)
اَلْاَرْض ج. أَراضي	زمین

فارسی	عربی
زمین‌های حاصلخیز	اَلْاَراضِیُّ الْخِصْبَة
زمین‌های کوهستانی	اَلْاَراضِیُّ الْجَبَلِیَّة
زن	اِمْرَأَة ج. نِساء و نِسْوَة
زن	زَوْجَة
زناشویی	اِزْدِواج
زنخدان	اَلذَّقَن ج. أَذْقان
زندان	اَلسِّجْن ج. سُجُوْن
زندانبان	اَلسَّجّان
زندانی	اَلْمَسْجُوْن
زنگ	جَرَس ج. أَجْراس
زود	سَرِیْع
زورمند	قَوِيّ
زیان	اَلْخَسائِر
زیر	تَحْت

فارسی	عربی
زیرجامه	إزار
زیر دریایی	غَوّاصَة
زیرزمین	اَلسِّرداب ج. سَرادیب
زیرک	فَطِن
زیست	حَیاة
زیست شناسی	عِلْمُ الْحَیاة
زین	سَرْج ج. سُروج
زیور	زینَة

ژ

ژاندارمری	مَخْفَر ج. مَخافِر
ژاله	اَلطَّلّ
ژرف	عَمیق
ژرف بینی	تَعَمُّق
ژست	وَضْع
ژیان	ساخِط - غَضوُب

س

سائیدگی	سَحْق - صَقْل
ساخت	صُنْع
ساختگی	مَصْنُوع
ساده لوح	سَلِیمُ الْقَلْب
سازش	تَوافُق
سازگار	مُوافِق
ساعت	ساعَة
ساعت مچی	ساعَةُ یَد
ساک	خَرِیطَة
سال	اَلسَّنَة - اَلعامْ ج. أَعْوام
سالار	نَقِیب ج. نُقَباء
سالنما	تَقْوِیم
سایر	اَلظِّلّ ج. أَظْلال

فارسی	عربی
سبد	سَلَّة ج. سِلاٰل
سبز	اَلاخضَر
سبزیجات	اَلْخُضْرَواٰت
سبزی فروش	خُضَرِیّ
سبزه	اَلْعُشْب
سبک	خَفیف
سبو	اَلْکُوْز ج. اَکْواٰز
سبوس	نُخاٰلَة
سِبیل	اَلشّاٰرِب
سپاه	فَیْلَق ج. فَیاٰلِق
«	جَیْش ج. جُیُوش
سپر	مِجَنَّة ج. مَجاٰنّ
سپرده	اَلْوَدیعَة
سِپُرز	اَلطِّحاٰل ج. طُحُل

فارسی	عربی
سپهبد	فَرِيق ج. أَفْرِقاء
سِپهر	اَلْكَوْن
سپیده دم	اَلسَّحَر ج. أَسْحار
ستاد ارتش	أَرْكانُ الْجَيْش
ستاره	اَلنَّجْم ج. اَنْجُم
«	كَوْكَب ج. كَواكِب
ستایش	اَلْحَمْد - اَلثَّناء
ستوان	اَلْمُعاوِن - مُلازِم
ستور	اَلدّابَّة
ستون	عَمُود ج. أَعْمِدَة
سخن	كَلام
سخنگو	مُتَحَدِّث
سدبندی	تَحْكِيمُ السَّداد
سَر	رَأْس ج. رُؤُس

فارسی	عربی
سرايدار	حارِسُ الْبَوّابَة
سُرب	اَلرَّصاص
سرباز	جُنْدِيّ
سربازخانه	ثُكْنَة ج. ثُكَنْ
سرباز وظيفه	جُنْدِيٌّ مُكَلَّف
سرتيپ	عَميد ج. عُمَداء-أميرُلواء
سرجوخه	نائِب عَريف
سُرخ	أَحْمَر
سرد	بارِد
سرداب	اَلسِّرداب ج. سَراديب
سرشت	طينَة
سرشير	اَلْقَشْطة
سُرفه	سُعال
سركنسول	اَلْقُنْصُلُ الْعام

فارسی	عربی
سرکه	اَلْخَلّ ج. خِلاٰل
سرگذشت	سِيرَة
سرگُرد	رائِد ج.رُوّاد
سرلشكر	اَلْفَرِيق - لِواء
سرما	اَلْبَرد
سرمايه	رَأْسُ الْماٰل
سُرمه	كَحْل
سروان	نَقِيب - مُدِيرُ الشُّرْطَة
سرهنگ	عَقِيد
سرهنگ تمام	اَلزَّعِيم
سرهنگ دوم	مُقَدَّم
سِزا	لاٰئِق
سفارت	اَلْمُفَوَّضِيَّة
سفارت كبرى	اَلسِّفاٰرَة

فارسی	عربی
سفارشی	اَلْمُسَجَّل
سفارشی دوقبضه	سِجِلٌّ مَرْجَع
سفره	مائِدَة ج. مَوائِد
سفید	اَلْاَبْیَض
سفیدی چشم	بَیاضُ الْعَیْن
سفیر	اَلسَّفیر ج. سُفَراء
سگ	اَلْکَلْب ج. کِلاب
سلمانی	حَلّاق
سمت	طَرَف ج. أَطْراف
سنگ	اَلْحَجَر ج. أَحْجار
سنگ پشت	سُلَحْفاة ج. سَلاحِف
سَواکُن	اِنْتَقِ
سوپ	اَلْحِساء
سوخت	وَقُود

فارسی	عربی
سود	اَلْاَرْباح
سوزن	مِخْيَط - اِبْرَة
سوزن زدن	اَلتَّلْقيح
سوسک	اَلْخُنْفُساءُ الْمُجَنَّح
سوسمار	اَلضَّبّ ج. ضِباب
سوم	اَلثّالِث
سوهان	مِبْرَد
سُوی	صَوْب
سِه	ثَلاثَة
سهام شرکت	أَسْهُمُ الشَّرْكَة
سه شنبه	اَلثَّلاثاء
سه هزار	ثَلاثَةُ آلافٍ
سی	ثَلاثُونَ
سیاستمدار	اَلسِّياسِيّ

فارسی	عربی
سِیاه	اَلْاَسْوَد
سیاهی چشم	سَوادُ الْعَیْن
سیب	اَلتُّفّاح ج. تفافیح
سیب زمینی	البَطاطِس
سیر	شَبْعان
سیر (گیاه)	اَلثُّوْم
سیرآب	رَیّان
سیزده	ثَلاثَةَ عَشَرَ
سیصد	ثَلاثُمِائَة
سیکل اول دبیرستان	اَلْمَدْرَسَةُ الْمُتَوَسِّطَة
سیگار	سِیجار - لِفافَة
سیم (نقره)	اَلْفِضَّة
سیم برق	سِلْکُ الْکَهْرَبائیّ
سینما	اَلسِّینَما

فارسی	عربی
سینه	اَلصَّدْر
سینی	صینِي
سی و دو	اِثْنانِ و ثَلاثُونَ
سی و سه	ثَلاثَةٌ و ثَلاثُونَ
سی هزار	ثَلاثُونَ أَلْف



شاخ	قَرْن ج. قُرُوُن
شاخه	اَلْغُصْن ج. أَغْصاٰن
شاد	مَسْرُوُر
شاگرد	تِلْمِيْذ ج. تَلاٰمِيْذ و تَلاٰمِذَة
شاگردی	تَلَمُّذ - تَعَلُّم
شال	حِزاٰم ج. حُزُم
شام	اَلْمَساٰء
شام (غذای شب)	عَشاٰء
شانزده	سِتَّةَ عَشَرَ
شانه	اَلْكَتِف ج. أَكْتاف
شانه بسر	هُدْهُدْ ج. هدَاٰهِد
شاه - پادشاه	اَلْمَلِک ج. مُلوُک
شاه توت	اَلتُّوتُ الشّـامِيّ

فارسی	عربی
شاهین	اَلْعُقاب ج. أَعْقُب
شایان	لائِق
شایستگی	لِیاقَة
شب	لَیْل ج. لَیالِی
شبانه روز	لَیْل و نَهار
شب پره	اَلْخُفّاش ج. خَفافیش
شبنم	اَلنَّدیٰ ج. أَنْداء
شپش	اَلْقَمْلَة ج. قَمْل
شتر	اَلنّاقَة - اَلْبَعیر
شترمرغ	نَعامَة
شخم	اَلْحَرْث
شراب	اَلْمَشْروبات
شربت	اَلشَّرابُ الْحُلْو
شرکت	اَلشِّرْکَة

فارسی	عربی
شرم	حَیاء
شستن	غُسْل
شسته	مَغْسُول - نَظیف
شِش	سِتَّة
شُش (ریه)	اَلرِّئَة
ششصد	سِتُّمِائَة
ششهزار	سِتَّةُ آلاف
شصت	سِتُّون
شصت و پنج	خَمْسَةُ وَ سِتُّون
شصت و شش	سِتَّةُ وَ سِتُّون
شعبده باز	مُشَعْوِذ
شغال	اِبْنُ آوی
شفتالو	اَلْخَوْخ
شکار	صَیْد

فارسی	عربی
شکارچی	صَیّاد
شکافتن	تَمْزِیق - شَقّ
شَکَر	سُکَّر
شکستن	کَسْر - تَخْطِیم
شکم	اَلْبَطْن ج. بُطُوْن
شکمبه	اَلْمِعْدَة ج. مَعِد و مِعَد
شکننده	اَلْکاسِر
شکوفه	اَلْبُرْعُم ج. بَراعِمْ
«	اَلنَّوْر ج. أَنْوار
شَل	أَفْلَج
شلغم	اَللِّفْت
شلوار	اَلسِّروال ج.سراویل - بَنْطَلُوْن
شُلّه	حِساء

فارسی	عربی
شُما	أَنْتُم - أَنْتُنَّ
شمشير	سَيْف ج. سُيُوف و أسْياف
شمعدان	اَلْماثِلَة
شناسنامه	اَلْهُوِيَّة - دَفْتَرُ النُّفوُس
شناكردن	سِباحَة - عَوْم
شناگر	سَبّاح
شنبليله	اَلْحَلْبَة
شنبه	اَلسَّبت
شنيدن	اَلسَّمْع
شور	اَلمالِح
شورش	ثَوْرَة
شوريده	مُضْطَرِب
شوهر	زَوْج ج. أَزْواج
شوهر دادن	تَزْويج

فارسی	عربی
شهر	اَلْمَدِينَة ج. مَدائِن
شهربانی	اَلشُّرْطَة
شهردار	رَئِيسُ الْبَلَدِيَّة
«	أمِينُ الْعاصِمَة
شهرداری	اَلْبَلَدِيَّة - أَمانَةُ الْعاصِمَة
شهرستان	اَلنَّاحِيَة ج. ناحِيات
شیپور	نَفِير - صوُر
شیر	اَلأَسَد ج. أُسْد و أُسوُد
شیر (شیرخوردن)	اَلْحَلِيب. لَبَن ج. اَلْبان
شیر آب	حَنَفِيَّة - صُنْبوُر
شیرخوار	رَضِيع ج. رُضَعاء
شیرین	اَلْحُلْو
شیرینی	اَلْحَلَوِيّات
شیشه	زُجاج - بُلُّور
شیوا	فَصِيح
شَیهه	صَهِيل

ص

صابون	اَلصّابُون
صاحبدل	عارِف ج. عُرَفاء
صاف کردن	تَصْفِيَة
صبح	صَباح
صبحانه	طَعامُ الإِفْطار - فَطُور
صبحانه خوردن	اَلإِفْطار
صحرا نشین	بَدَوِیّ - بَدْوِیّ
صد	مِائَة
صدا	اَلصَّوْت
صد در صد	قَطْعاً - يَقِيناً
صدگان	مِئات
صدو بیست و یک	مِائَةٌ و واحِدٌ وَ عِشْرُون
صدو پنجاه و چهار	مِائَةٌ و أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسُون

فارسی	عربی
صدو چهل و سه	مِائَةٌ و ثَلاثَةٌ وَ أَرْبَعُون
صد و ده	مِائَةٌ وَ عَشَرَة
صد و سی و دو	مِائَةٌ و اِثْنانِ وَ ثَلاثُون
صد و نه	مِائَةٌ وَ تِسْعَة
صد و یازده	مِائَةٌ وَ أَحَدَ عَشَرَ
صف کشیدن	اِصْطِفاف - صَفّ
صندلی	اَلْكُرْسِيّ ج. كَراسِيّ
صندوق دار	مُحاسِب
صورت	اَلصُّورَة - اَلْوَجْه
صیغه	زَواجُ الْمُتْعَة

ض

ضبط صوت	مِسْجَلَة
ضخيم	غَليظ
ضربت خورده	مَضْرُوب - مُصاب

ط

طاس	أَصْلَع - أَقْرَع
طاق	قُبَّة - اِيْوان
طاقچه	اَلرَّف ج. رُفُوُف
طشت	طَشْت ج. طُسوُت
طلا	اَلذَّهَب
طوطى	اَلْبَبْغاء ج. بَبْغاوات
طوفان	صارِخ
«	عاصِف ج. عَواصِف

ع

عاشق	مُحِبّ
عالیجناب	رَفیعُ الْمَقام
عامیانه	عامِیّ
عبادتگاه	مَعْبَد ج. مَعابِد
عدس	اَلْعَدَس
عرضه داشتن	اَلْعَرض
عروس	اَلْکَنَّة
عروسک	دُمْیَة - لُعْبَة
عروسی	حَفْلَةُ الْعُرْس
عروسی کردن	اَلزَّواج
عشقباز	مُغازِل
عقدنامه	وَثیقَةُ الزَّواج
عکاس خانه	سِتودِیوُ التَّصْویر

فارسی	عربی
عکس	صوُرَت
علف چین	مِنْجَل ج. مَناجِل
علیاحضرت	صاحِبَةُ الْجَلاٰلَة
عمو	عَمّ ج. أَعْمام
عموزاده	إبْنُ الْعَم - بِنْتُ الْعَمّ
عمّه	عَمَّة
عنکبوت	اَلْعَنکَبوُت
عینک	مِنْظَرَة - مِنْظار - اَلنَّظّارَة

غ

غارت	نَهب
غارت زده	مَنْهوُب
غافلگیر	مُسْتَغْفِل
غدغن	نَهْی - مَنْع
غربال	مُنْخُل ج. مَناخِل
غریدن	زَئیر - صُراخ
غش	اِغْماء
غصه	غَمّ ج. غُموُم
غمگین	حَزین - مَغْموُم
غنچه	بُرْعُم ج. بَراعِم
غوطه خوردن	غَوْص
غیرتمند	غَیوُر

ف

فراز	عُلُو - مُرْتَفَع
فرّاش	خادِم ج. خُدّام
فراموش کردن	نِسْیان
فربه	سَمین
فردا	اَلْغَد
فرزند	اَلْاِبْن - اَلْوَلَد ج. اَوْلاد
فرزندزاده	حَفید ج. حُفَداء
فرستاده	اَلصّادِر - اَلْمُرْسَل
فرستنده	اَلْمُرْسِل
فرش	اَلْفَرْش - اَلسَّجّاد
فرمان	أَمْر
فرماندار	قائِم مَقام
فرمانداری	اَلْقَضاء

عربی	فارسی
اَلْقائِدُ الْعامّ	فرمانده کل قوا
أَلْإفْرِنْجِيَّة	فرنگی
اَلْمَطار	فرودگاه
اَلْبائع	فروشنده
ضِياء	فروغ
طائِرَةٌ واُحِدَة	فروند
سَفِينَةٌ حَرْبِيَّةٌ صَغيرَة	فروند کشتی کوچک
اَلثَّقافَة	فرهنگ
خُدْعَة	فریب
طَلْقَة	فشنگ
اَلْبُنْدُق	فندق
كُوب ج. أَكْواب	فنجان
اَلْمَصنُوعاتُ الْمَعْدَنِيَّة	فلزات
اَلْفيل ج. أَفْيال	فیل

ق

قابلمه	قِدْرُ الطَّبیخ
قارچ	فَطِر
قاچاق	تَهْریب
قاز (غاز)	اَلْاِوَزَّة ج. اِوَزّ
قاشق	اَلْمِلْعَقَة
قاطر	اَلْبَغْل ج. بِغال
قالی	اَلسَّجّاد
قالیچه	سَجّادَة
قبر	قَبْر ج. قُبُور
»	مَقْبِرَة ج. مَقابِر
قبول شده	اَلنّاجِح
قبیله	حَیّ ج. أَحْیاء
قدح	اَلْقَدَح ج. أَقْداح

فارسی	عربی
قرارداد بازرگانی	اَلْاِتِّفاقِیَّةُ التِّجارِیَّة
قربان	اَلْأَضْحیٰ
قرقاول	حَجَل ج. حِجْلان
قرقی	حَدَأة ج. حِداء
قرمز	اَلْاَحْمَر
قرمه	لَحْمٌ مَفْرُوم
قشلاق	مَشْتیٰ
قَطار	اَلْقِطار ج. قُطُر
قفس	اَلْقَفَص ج. اَقْفاص
قفسه	اَلْخَزانَة - صِوان
قلم	اَلْقَلَم ج. أقْلام
قلم خودنویس	قَلَمُ الْحِبْر
قلوه	اَلْكُلْیَة
قلیان	نارْجیلَة

فارسی	عربی
قلیان کشیدن	تَدْخِینُ النّارْجیلَة
قند	سُکَّر - قَنْد
قو	اَلْبَجَع
قوچ	کَبْش ج. کِباش
قورباغه	اَلضِّفْدِع ج. ضَفادِع
قوزه	جَوْزَةُ الْقُطْن
قوش	عُقاب ج. عِقْبان
قوطی	جَعْبَة ج. جِعاب
قهوه	اَلْقَهْوَة - بُنّ
قهوه خانه	مَقْهیٰ
قهوه خوری	فِنْجان ج. فَناجین
قیماق	قِشْدَةُ الْحَلیب

ک

کابین	مَهر ج. مُهوُر
کاخ	قَصْر ج. قُصوُر
کار	اَلْعَمَل
کارآگاه	مُخْبِر
کارپردازی	تَوْجِیهُ الْعَمَل
کارت	بِطاٰقَة
کارتَنک	نَسیجُ الْعَنْکَبوُت
کار چاق کن	دَلاّٰل
کارخانه	اَلْمَعْمَل ج. مَعاٰمِل
کارد	اَلسِّکّین ج. سَکاٰکین
کارد تیزکن	مِسَنُّ السَّکاٰکین
کارزار	حَرْب ج. حُروُب
کارشناس	اَلْمُتَخَصِّص ـ خَبیر ج. خُبَراء

فارسی	عربی
کارشناسی	اَلْخُبْرَة - اَلْمَعْرِفَة
کارفرما	صاحِبُ الْعَمَل
کارگاه	مَنَصَّةُ الْعَمَل - مَحَلُّ الْعَمَل
کارگر	اَلعامِل ج. عُمّال
کارگزینی	دائِرَةُ الْاِستِخدام
کارمند	اَلْمُوَظَّف
کاروان	قافِلَة
کاروانسرا	اَلخان ج. خانات
کاریز	قَناة ج. قَنَوات
کاسه	اَلْكَأْس ج. كُؤُوس
«	اَلوِعاء ج. أَوْعِيَة
کاغذ	قِرطاس ج. قَراطِيس
«	وَرَق ج. أَوْراق
کال	غَيْرُ ناضِج

فارسی	عربی
کالا	اَلْبِضاعَة ج. بَضائع
کالسکه	عَرَبَة
کامیون	شاحِنَة
کان	اَلْمَعْدَن ج. مَعادِن
کانون	اَلْمَجْمَع
کاه	اَلتِّبْن
کاهو	اَلْخَسّ
کباب	اَلشِّواء
کبک	اَلْقَطاة - حَجَلَة ج. حِجْلان
کبوتر	اَلْحَمام ج. حَمائِم
کبود	أَزْرَق
کُت	اَلسُّتْرَة ج. سِتَر
کتاب	اَلْکِتاب ج. کُتُب
کتابت	کِتابَة

فارسی	عربی
کتابتان	كِتابُكُم
کتابچه	كُرّاسَة ج. كَراريس
کتابخانه	اَلْمَكْتَبَة
کتابش	كِتابُهُ
کتابشان	كِتابُهُم
کتابمان	كِتابُنا
کثافت	قَذارَة
کج	مُعْوَجٌ
کجاوه	هَوْدَج ج. هَوادِج
کچل	أَقْرَع
کدو	اَليَقْطين
کر	أُطْرُش - أُطْرُوش
کرانه	اَلسّاحِل ج. سَواحِل
کردم	صَنَعْتُ

فارسی	عربی
کرست	سِتْيان - زُخْمَة
کرفس	اَلْكَرَفْس
کرکس	نَسْر ج. نُسُوُر
کِرم	دَوْدَة ج. دِيدان
کژدم - عقرب	اَلْعَقْرَب ج. عَقارِب
کشاورز	اَلزّارِع
کشاورزی	اَلزِّراعَة
کشت	اَلزَّرْع
کشتزار	اَلْمَزْرَعَة
کِشتی	ماخِرَة ج. مَواخِر
«	سَفينَة ج. سُفُن
کُشتی	مُصارِعَه
کشمش	اَلْكِشْمِش
کشنده	اَلْقاتِل

فارسی	عربی
کشو	دُرْج ج. أَدْراج
کشور	اَلْمَمْلَكَة ج. مَمالِك
كفّاش	حَذّاء - إِسْكاف
کفتار	ضَبْع ج. ضِباع
کفش	اَلْحِذاء ج. أَحْذِيَة
کفگیر	اَلْمِغْرَفَة ج. مَغارِف
کلاغ	اَلْغُراب ج. غِرْبان
کلانتر	مُفَوَّضُ الشُّرْطَة
کلانتری	مَرْكَزُ الشُّرْطَة
کلاه	قُبَّعَة - قَلَنْسُوَة ج. قَلانِس
کلاه گیس	بارُوكِة
کُلفَت	خادِمَة
کَلَم	اَلْكَلَم
کلنگ	مِعْوَل

فارسی	عربی
کلوخ	صَلْصال
کلیسا	كَنِيسَة ج. كَنائِس
کلّه	اَلْجُمْجُمَة
کلّه پاچه	كِراع ج. كَوارِع
کلید	مِفتاح ج. مَفاتيح
کَم	قَليل
کُمُد	صِوان ج. أَصْوِنَة
کمر	اَلْخَصْر ج. خُصوُر
کمر بند	اَلْحِزام - اَلنِّطاق
کنجد	سِمْسِم
کنسول	اَلْقُنْصُل
کنسولگری	اَلْقُنْصُلِيَّة
کنسول یار	نائِبُ الْقُنْصُل
کنکور	رِقابَة - مُسابَقَة

فارسی	عربی
کُنم	أَصْنَعُ
کَنِه	اَلْقُرَاد ج. قِرْدان
کُنی	تَصْنَعُ
کنیز	اَلْجارِيَة
کوبیده	مَدْقوُق
کوتاه	قَصير
کوچه	اَلزُّقاق ج. أزِقَّة
کود	اَلسَّماد
کودک	طِفْل ج. أَطْفال
کودکستان	رَوْضَةُ الْاَطْفال
کودن	غَبِيّ ج. أَغْبِياء
کور	أَعْمىٰ
کوزه	اَلْكُوْز ج. أَكْواز
کوشش	مَسْعىٰ

فارسی	عربی
کوفته	اَلْکُبَّة
کولر	مُبَرِّدَة
کوله پُشتی	حَقیبَةُ ظَهْر
کوه	اَلْجَبَل ج. جِبال
کوهان	سَنام ج. أَسْنِمَة
کوی	اَلْمَحَلَّة
کهنه	عَتیق
کِی؟	مَتیٰ ؟
کی	مَنْ ؟
کیسه	اَلکیس - حافِظَة
کیش - مذهب	اَلْمَذْهَب ج. مَذاهِب
کیف	اَلْمِحْفَظَة
کیک (کک)	اَلْبُرغوث ج. بَراغیث
کیک (نان روغنی)	کَعْک

گ

گارد	حَرَسُ الشَّرَف
گارد سلطنتی	حَرَسُ الشَّرَفِ لِلْمُلُوک
گارد مخصوص	اَلْحَرَس الْخاصّ
گاو نر	اَلثَّوْر ج. ثِیران
گاو ماده	اَلْبَقَرَة
گاه	اَلْوَقت ج. اَوْقات
گچ	جَصّ
گچ نوشتنی	طَباشیر
گذر	اَلْمَعْبَر ج. مَعابِر
گذرنامه	جَوازُ السَّفَر
گذشتن	اَلصَّفْح
گراز	خِنْزیرٌ ذَکَر
گربه	اَلْهِرّ - اَلْقِطَّة ج. قِطاط

فارسی	عربی
گرد و خاک	غُبار
گِرد	مُدَوَّر
گُردان	فَوْج ج. أَفواج
گردش	سِياٰحَة - نُزْهَة
گردشگاه	مُتَنَزَّه
گردن	اَلرَّقَبَة ج. رِقاٰب
گردن بند	عِقْد ج. عُقوُد
گردو	اَلْجَوْز
گرسنه	جاٰئع
گرفتن	اَلْاَخْذ
گرگ	اَلذِّئب ج. ذِئاٰب
گرمابه - حمام	اَلْحَمّاٰم ج. حَمّاماٰت
گروه	رَعيل ج. رِعاٰل - فِئَة
گروهان	سَرِيَّة ج. سَراٰياٰ

فارسی	عربی
گروهبان	اَلْعَرِيف ج. عُرَفاء
گروهبان دوم	رَئِيسُ عُرَفاء
گروهبان یکم	رَئِيسُ عُرَفاء وَحْدَه
گریستن	بُكاء
گزنده	اَللأُّذِغ
گشنیز	اَلْكَزْبُرَة
گفت	قالَ
گفتگو	مُحادَثَة
گفتم	قُلْتُ
گفته ام	قَدْ قُلْتُ
گِل	اَلطِّين
گُل	اَلزَّهْر ج. أَزْهار
گل سرخ	اَلْوَرْد ج. أَوْراد
گلاب	ماءُ الْوَرْد

فارسی	عربی
گلابی	اَلْكُمَّثْرىٰ
گلدان	اَلْمَزْهَرِيَّة
گلکاری	غَرْسُ الْاَوْراد وَالْاَزهار
گلو	اَلْحَلْق
گلوبند	عِقْد ج. عُقوُد
گلوله	قَذيفَة – قُنْبُلَة ج. قنابِل
گُلی	اَلْوَرْدِىّ
گلیم	البِساط
گماشته	خادِم ج. خُدّام
گُمنام	خامِل
گناه	جُناح – جُرْم – ذَنْب
گناهکار	اَلْمُجْرِم
گَنج	كَنْز ج. كُنوُز
گنجشک	اَلْعُصْفوُر ج. عَصافير

فارسی	عربی
گنجه	صِوانْ ج. أَصْوِنَة
گُنگ	أَخْرَس
گوارا	عَذْب
گواه	الشّاهِد ج. شُهوُد
گواه خواستن	اِسْتِشْهاد
گواهي	اَلشَّهادَة
گواهينامه	وَثِيقَة – وَرَقَةُ الشَّهادَة
گوجه فرنگی	اَلطَّماطِم
گودال	اَلْحُفْرَة
گورخر	حِمارُ الْوَحْش
گوساله	اَلْعِجْل ج. عُجوُل
گوسفند	اَلْخَروُف ج. خِراف
«	غَنَم ج. أَغْنام
گوش	اَلْاُذُن ج. آذان

فارسی	عربی
گوشت	اَللَّحْم
گوشت کوب	مِهْرٰاس
گوشواره	قُرْط ج. أَقْرٰاط
	حَلْقَةُ الْأُذُن
گوشی	سَمّٰاعَة
گوگرد	اَلْكِبْرِيت
گونه	اَلْخَدّ
گهواره	اَلْمَهْد ج. مِهٰاد
گیاه	اَلنَّبْتَة ـ اَلْعُشْب ج. أَعْشٰاب
گیس	شَعْرُ الرَّأْس
گیسو	غَدِيرَة ج. غَدائِر
گیلاس	اَلْكَرِيز

ل

لات	فَقیر – مُعْدِم
لادن	اَلْعَنْبَرُ الْعَسَلِیّ
لاشه	جیفَة
لاغر	نَحیف ج. نُحَفاء
لاک پشت	اَلسُّلَحْفاة ج. سَلاحِف
لانه	عُشُّ الطُّیُور
لَب	اَلشَّفَة
لبخند	تَبَسُّم
لبو	شَمَنْدَرٌ مَطْبُوخ
لجوج	عنید
لحاف	اَللُّحاف
لُخت	عارِي
لغزش	عَثْرَة

فارسی	عربی
لشکر	اَلْجَیْش - فِرْقَة
لک لک	لَقْلَق ج. لَقالِق
لکوموتیو	اَلْقاطِرَة
لگام	عِنان
لمس کردن	اَللَّمْس
لنبر	کَفَل ج. أکْفال
لنگ	أعْرَج
لِنگه	فَرْد ج. أفْراد
لوبیا	اَللّوبیاء
لوچ	أحْوَل
لیمو	اَللَّیمُوْن
لیموترش	اَللَّیمُوْنُ الْحامِض
لیوان	کَأْسُ الْماء

م

ما	نَحْنُ
مادر	أُمْ ج. أُمَّهات
مادربزرگ	جَدَّة
مادرزن	اَلْحَماة ج. حَمَوات
مار	حَيَّة - اَلثُّعْبان
مارمولک	اَلْوَزَغ
ماست	اَللَّبَن
ماست خوب	اَللَّبَنُ الْمُزْبِد
ماشین	اَلسَّيّارَة
ماشین آلات	اَلْمَكائِن
ماشین باری	سَيّارَةُ الْحَمْل
ماشین سواری	سَيّارَةُ الرُّكوب
ماکیان	اَلدَّجاجَة

فارسی	عربی
مأمور پست	مَوَزِّعُ الْبَرِید
ماه	اَلشَّهر ج. شُهوُر
ماه	قَمَر ج. أَقْمار
ماهی	سَمَک
ماهی تابه	اَلْمِقْلاة
مایه کوبی	تَلْقیح
مُبارزه	اَلْمُکافَحَة
مبتلا	مُصاب
مُبل	اَلْاَرِیکَة ج. أَرائِک
مُتکا	وِسادَة
مُجَسّمه	تِمْثال
مجلّه	جَرِیدَة
مُچ	اَلرُّسْغ - مِعْصَم
محصّل	اَلطّالِب

فارسی	عربی
محصول	اَلثَّمَر - اَلحاصِل
محصولات	اَلحاصِلات
محصولات دامی	اَلحاصِلاتُ الحَیَوانِیَّة
محصولات زراعتی	اَلمَحاصِیلُ الزِّراعِیَّة
مخصولات شیمیایی	اَلمَنتُوجاتُ الکیماوِیَّة
محصولات صنعتی	اَلمَصنُوعات
مِداد	قَلَمُ رَصاص
مدال	وِسام - نَوط
مدیر کلّ	اَلمُدیرُ العامّ
مدیر کلّ وزارت فرهنگ	مُدیرُ المَعارِفِ العامّ
مدیر مدرسه	النّاظِر
مُرد	ماتَ
مَرد	رَجُل ج. رِجال
مرداب	اَلمُستَنقَع - اَلغَدیر

فارسی	عربی
مردم	اَلنّاٰس
مردمک چشم	اِنساٰنُ الْعَيْن
مرزبان	قوُمپساٰرُ الْحُدوُد
مرزبانی	قوُمپساٰرِيَّةُ الْحُدوُد
مرغ	اَلطَّيْر - اَلدَّجاٰج
مرغابی	اَلْبَطّ ج. بُطوُط
مرغزار	اَلْمَرْج ج. مُروُج
مرگ	وَفاٰة
مَرو!	لاٰ تَذْهَبْ!
مزرعه	حَقْل ج. حُقوُل
مژده	بِشاٰرَة
مژگان	اَلْاَهْداٰب
مغازه	اَلْمَخْزَن - حاٰنوُت
مِس	اَلنُّحاٰس

فارسی	عربی
مسافرخانه	فُنْدُق
مسافران	اَلرُّكّاب
مستخدم	اَلْمُسْتَخْدِم
مستراح	اَلْمِرْحاض ج. مَراحِيض
مسلسل	رَشّاش
مسلسل سبک	غَدّارَة
مسواک	سِواک ج. سُوُک
مشکی	اَلْاَسْوَد
مطب	عِيادَة
معاون	اَلْمُعاوِن
مغز	اَلْمُخّ ج. مِخاخ
مگس	اَلذُّباب ج. أَذِبَّة
ملاقه	اَلْمِغْرَفَة ج. مَغارِيف
ملخ	اَلْجَرادَة ج. جَراد

فارسی	عربی
ملوان	مَلّاح
مَن	اَنَا
منزل	اَلْمَسْكَن ج. مَساكِن
منشی	اَلسِّكْرِتِر
منطقه سردسیر	اَلْمَنْطَقَةُ الْبارِدَة
منطقه گرمسیر	اَلْمَنْطَقَةُ الْحارَّة
مو	اَلشَّعْر ج. أَشعار
مَو (درخت انگور)	اَلْكَرْمَة
موتورسیکلت	اَلدَّرّاجَةُ الْبُخارِيَّة
موتوریزه	آلِيَة
موجودی	اَلرَّصيد
مور	اَلنَّمل ج. نِمال
مورچه	اَلنَّمْلَةُ الصَّغيرَة
موریانه	اَلْأَرَضَة ج. أَرَض

فارسی	عربی
موسیر	بَصَلُ الْجَبَلِیّ
موش	اَلْفَأْر ج. فِئْرَان
«	اَلْجُرَذ ج. جِرْذَان
موشک انداز	قاذِفَةُ الصَّوارِیخ
مَویز	اَلزَّبِیب
مَه	اَلضَّبابَة ج. ضَباب
مهتاب	ضَوْءُ الْقَمَر
مهمانخانه	اَلْفُنْدُق ج. فَنادِق
می	اَلْخَمر
میدان	اَلسّاحَة - اَلْمِیدان
می‌رود	یَذْهَبُ
میز	مِنْضَدَة
میز تحریر	مَکْتَبَة
میز عسلی	اَلطّاوِلَة

فارسی	عربی
میز غذاخوری	مائِدَة
میش	اَلنَّعْجَة
میشی	اَلْاَشْهَل
میکانیسین اسلحه	اَلْهَنْدَسَةُ الْآلِيَة
می‌کنم	أَصْنَعُ
میمون	اَلْقِرْد ج. قِرَدَة - قُرُوُد
مین	لُغْم ج. أَلْغام
مین یاب	کاسِحَةُ أَلْغام
مین روشنایی	عاشُورِيَّة
میوه	اَلْفاکِهَة - اَلثَّمَرَة
میوه فروش	اَلْفاکِهِیّ
میهن	وَطَن ج. أَوْطان

ن

نائب السلطنه	نائِبُ الْمُلک
ناتوان	ضَعِيف ج. ضُعَفاء
ناچار	لابُدَّ
ناخدا	رُبّان
ناخن	ظُفْر ج. أَظْفار
نادان	جاهِل ج. جُهّال
ناروا	غَيْرُ جائِز
ناسزا	غَيْرُ لائِق
ناظم	ناظِر
نان	اَلْخُبْز
نانوا	خَبّاز
نامه	اَلرِّسالَة
نامه رسان	اَلْمُراسِل

فارسی	عربی
ناو	بارِجَة ج. بوارِج
ناودان	مِيزاب ج. مَيازِيب
ناوشکن	مُدمِرَّة
ناوگان	أُسْطوُل ج. أَساطِيل
ناوی	مَلاّحُ الْبَوارِج
نبرد	نِضال - مُبارَزَة
نخ	خَيط ج. خُيوُط
نخست وزیر	رَئِيسُ الْوُزَراء
نخود	اَلحِمَّص
ندار	فَقِير ج. فُقَراء
نرخ	اَلسِّعْر ج. أَسْعار
نرده	سِياج - حاجِز
نردبان	اَلسُّلَّم
نرفت	ما ذَهَبَ

فارسی	عربی
نرم	ناعِم
نزدیک	قَرِیب ج. أَقْرِباء
نسخه	تَذْکِرَة
نشسته	جاثِیاً - جالِساً
نشیب	أَسْفَل - مُنْخَفِض
نفت	بِتْرُول
نقاش	مُصَوِّر
نقره	اَلفِضَّة
نگهبان	اَلحارِس-اَلخَفِیر ج. خُفَراء
نم	اَلرُّطُوبَة
نماز	اَلصَّلاة
نماینده	اَلوَکِیل ج. وُکَلاء
نمک	اَلمِلح
نمکدان	اَلمِمْلَحَة

فارسی	عربی
نمایشگاه	اَلْمَعْرَض ج. مَعاٰرِض
نمونه	نَموُذَج ج. نَموُذَجاٰت
نمی‌رود	لاٰيَذْهَبُ
نواخانه	دارُ الْعَجْزَة
نَوَد	تِسْعوُن
نود و نه	تِسْعَةُ و تِسْعوُن
نود و هشت	ثَماٰنِيَةُ و تِسْعوُن
نوزده	تِسْعَةَ عَشَرَ
نوشتن	اَلْكِتاٰبَة
نوشیدن	اَلشُّرْب
نوک	مِنْقاٰر
نوکر	خاٰدِم ج. خُدّاٰم
نَوِه	حَفيد ج. حُفَداٰء
نُه	تِسْعَة

فارسی	عربی
نُهصد	تِسْعُمِائَة
نُهُم	اَلتّاسِع
نه هزار	تِسْعَةُ آلاف
نیا	جَدّ ج. أَجْداد
نیاکان	أَجْداد
نیایش	اَلْعِبادَة
نیرو	قُوَّة – قُدْرَة
نیروی دریایی	اَلْقُواةُ الْبَحْرِيَّة
نیروی زمینی	اَلْقُواةُ الْبَرِّيَّة
نیروی هوایی	اَلسِّلاحُ الْجَوِّی
نیش	سَمّ
نیشکر	قَصَبُ السُّكَّر
نیلی	اَلْاَزْرَق
نیم	اَلنِّصْف

فارسی	عربی
نیمکت	مَقْعَد
نیمه روز	اَلظُّهْر ج. أَظْهار
نیمه شب	مُنْتَصِفُ اللَّيْل

و

وابسته	اَلْمُلْحَق
وابسته بازرگانی	اَلْمُلْحَقُ التِّجارِی
وابسته نظامی	اَلْمُلْحَقُ الْعَسْکَرِی
وابسته فرهنگی	اَلْمُلْحَقُ الثَّقافِی
وابسته مطبوعاتی	اَلْمُلْحَقُ الصَّحافِی
واگن قطار	اَلْقاطِرَة - عَرَباتُ الْقِطار
والا حضرت	صاحِبُ السُّمُوّ
ورشکسته	اَلْمُفْلِس
ورشکستگی	اَلْاِفْلاس
وزارت	اَلْوِزارَة
وزارتخانه	دارُ الْوِزارَة
وزارت کشور	وِزارَةُ الدّاخِلِیَّة
وزن کن	تَزِنْ

فارسی	عربی
وزیر	اَلْوَزِیر ج. وُزَراء
وزیر امور خارجه	وَزِیرُ الْخارِجِیَّة
وزیر بازرگانی	وَزِیرُ التِّجارَة
وزیر بهداری	وَزِیرُ الصِّحَّة
وزیر پست و تلگراف و تلفن	وَزِیرُ الْبَرِیدِ وَالْبَرْقِ و التِّلِفُون
وزیر پیشه و هنر	وَزِیرُ الصِناعَةِ وَالْفَنّ
وزیر جنگ	وَزِیرُ الْحَرْبِیَّة
وزیر دادگستری	وَزِیرُ الْعَدْلِیَّة
وزیر دارایی	وَزِیرُ الْمالِیَّة
وزیر راه	وَزِیرُ الطُّرُق
وزیر فرهنگ	وَزِیرُ الْمَعارِف
وزیر کشاورزی	وَزِیرُ الزِّراعَة
وزیر کشور	وَزِیرُ الدّاخِلِیَّة

فارسی	عربی
وزیر مختار	اَلْوَزِيرُ الْمُفَوَّض
وضع بازار	حالَةُ السُّوق
وکیل	نائِب مَناب
ولایت عهد	وَلِيُّ الْعَهْد
ویترین	مَعْرَض ج. مَعارِض
ویران	خَراب
ویلُن	كَمان

ه

هزار	أَلْف
هزارپا	أُمُّ أَرْبَعٍ وَ أَرْبَعِين
«	أَبُو سَبْعَةٍ وَ سَبْعِين
هزینه	اَلْمَصْروفات
هسته	اَلنَّواة ج. نَوىٰ
هشت	ثَمانِيَة
هشتاد	ثَمانُون
هشتاد و هشت	ثَمانِيَةُ وَ ثَمانُون
هشتاد و هفت	سَبْعَةُ وَ ثَمانُون
هشتصد	ثَمانُمِائَة
هشتم	اَلثّامِن
هشت هزار	ثَمانِيَةُ آلاف
هفت	سَبْعَة

فارسی	عربی
هفتاد	سَبْعُوْن
هفتاد و شش	سِتَّةٌ وَ سَبْعُوْن
هفتاد و هفت	سَبْعَةٌ وَ سَبْعُوْن
هفتصد	سَبْعُمِائَة
هفتم	اَلسّابِع
هفته	اَلْاُسْبوُع
هفت هزار	سَبْعَةُ آلاف
هفده	سَبْعَةُ عَشَرَ
هُلو	اَلْخَوْخ
همدرس	زَمِيل ج. زُمَلاء
هم ریش	عَدِيل
همسایه	جار ج. جِيْران
همکار	زَمِيل ج. زُمَلاء
هندوانه	اَلرَّقِي

فارسی	عربی
هنر	اَلْفَنّ ج. فُنُون
هنرپیشه	مُخْتَرِفُ الْفَنّ
هنرستان	مَدْرَسَةُ الْفُنُون
هنرمند	اَلْفَنّان
هنگ	فَوْج ج. أَفْواج
هوا	اَلْهَواء - اَلْجَوّ
هواپیما	طائِرَة - طَيّارَة
هواپیمای فشفشه‌ای	طائِرَةٌ نَفّاثَة
هوله	مِنْشَفَة ج. مَناشِف
هَوْد	ضَرَّة
هویج	اَلْجَزَر
هیئت بازرگانی	اَلْوَفْدُ التِّجارِي
هیئت دولت	مَجْلِسُ الْوُزَراء
هیجده	ثَمانِيَةَ عَشَرَ

فارسی	عربی
هیز	مُخَنَّث
هیزم	حَطَب



یابو	اَلبِرْذَوْن - اَلْكَدِيش
یادداشت	دَفْتَرُ مُذاكِرات
یادگاری	ذِكْرىٰ
یازده	أَحَدَ عَشَر
یاسمن	ياسَمِين
یاغی	مُتَمَرِّد
یخ	اَلجَلِيد - اَلثَّلْج
یخ بستن	تَجَمُّد
یخچال	بَرّاد - ثَلّاجَة
یغما	غارَة
یک	واحِد
یک پنجم	اَلْخُمْس
یک چشم	أَعْوَر

فارسی	عربی
یک چهارم	اَلرُّبْع
یک دوم	اَلنِّصْف
یک دهم	اَلْعُشْر
یک سوم	اَلثُّلْث
یک ششم	اَلسُّدْس
یکشنبه	اَلْاَحَد
یکم	اَلْاَوَّل
یک نُهم	اَلتُّسْع
یک هزار	اَلْف
یک هشتم	اَلثُّمْن
یورش	هُجُوم
یوزپلنگ	اَلْفَهْد ج. فُهُود
ییلاق	مَصِیف

منابع

۱- اَلْمُنْجِد

۲- مُنْتَهِیُ الْاَرَب

۳- صُراحُ اللُّغَة

۴- مُعَلِمُّ اللُّغَةِ الْفارِسِیَّة

۵- دُروُس الْعَرَبِیَّة